

Research Paper

A Policy-Making Model for the Formation of Effective Engagement Between Unions and Governance Actors



Abbas Monavvarian^{1*}, Ali Reza Tajbar²

1. Professor, Department of Public Policy and Administration, School of Public Administration and Organizational Sciences, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. (*Corresponding Author).

email: amonavar@ut.ac.ir

2. PhD Student of Public Administration, Decision Making & Public Policy, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

email: a.tajbar@ut.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.349330.1430

Received: 03/07/2024

Accepted: 23/09/2024

Abstract

Purpose: Unions act as intermediaries and mediators between their members and governance actors and can assume a central role in policy formulation within their respective professional domains. These unions are capable of engaging in all three arenas of legislation, implementation, and oversight and, by aligning with the government's overarching policies, can become the leading authority within their field. In today's context, unilateral policy development and implementation by the state, without involving stakeholders, is—if not entirely impossible—ineffective and inefficient. Therefore, the manner in which unions interact within the political and economic landscape plays a crucial role in determining the effectiveness and efficiency of the formulated policies. The present study seeks to examine the factors contributing to ineffective interactions between unions and other governance actors and to propose strategies for establishing effective engagements between them.

Methodology: This study employs a qualitative approach using the grounded theory methodology (Glaser's emergent strategy). Data were collected through semi-structured interviews with 27 experts associated with unions and governance institutions. The collected data were analyzed through open, axial, and theoretical coding. Subsequently, by utilizing secondary data and relevant literature, a conceptual model of the research was developed.

Findings: The findings indicate that several factors contribute to the ineffective interaction between unions and other governance actors. Legal and regulatory factors include the inefficiency of existing laws and regulations, their outdated and fragmented nature, and the absence of proper enforcement mechanisms. Structural factors involve organizational and financial weaknesses of unions, their excessive multiplicity, fragile internal structures, and the lack of comprehensive mandates. Member-related factors include inactivity, limited participation, lack of awareness regarding available capacities, and excessive expectations. Political and economic contingencies include the absence of a clear governmental strategy toward unions and distrust of the private sector. Moreover, cultural and social factors—such as prevailing cultural challenges and suspicion



toward unions—as well as historical fluctuations in their development, influence these relationships. These conditions lead to inefficiencies in the policy-making process, inadequate utilization of the unions' potential, and the emergence of socio-economic distortions. To overcome these challenges, the study proposes several strategies: revising and consolidating laws and regulations with the participation of unions; strengthening the organizational and financial capacities of unions; merging and forming stronger institutions; reconsidering economic policies; promoting cultural development; leveraging media and academic resources; building trust; and redefining the role of unions in society and the policy-making process. The proposed model emphasizes that unions can play active roles throughout all stages of the policy-making cycle, including the identification and articulation of public issues, participation in policy formulation, involvement in implementation, and engagement in policy evaluation. Achieving this requires a supportive legal framework, robust and efficient structures, and the establishment of trust-based and interactive relationships with other governance actors.

Conclusion: The overall conclusion of the study suggests that effective interaction between unions and governance actors facilitates the optimal use of capacities, reduces deficiencies in the policy-making process, and helps mitigate certain socio-economic challenges. The study further recommends the development of a national strategic document to strengthen the position of unions and institutionalize their role in governance. One of the study's limitations is the lack of participation by certain key institutions—particularly the judiciary—which may be addressed in future research.

Keywords: Public Policy; Effective Relationship; Governance Actors; Union.

Citation: Monavvarian, A., Tajbar, A. R. (2025). A Policy-Making Model for the Formation of Effective Engagement Between Unions and Governance Actors. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 8(1), 26–72.

ارائه مدل خطمشی‌گذاری شکل‌گیری مراوده اثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی



عباس منوریان^{۱*}، علیرضا تاج‌بر^۲

۱. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (*نویسنده مسئول).

email: amonavar@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری عمومی، گروه مدیریت دولتی، پردیس کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

email: a.tajbar@ut.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2024.349330.1430

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲

هدف: تشکلهای صنفی، میانجی و واسطه‌های خود و بازیگران حکمرانی بوده و می‌توانند نقش اصلی را در خطمشی‌گذاری حوزه‌ی حرفه‌ای مربوط ایفا نمایند. تشکلهای صنفی در هر سه حوزه‌ی قانون‌گذاری، اجرا و نظارت می‌توانند ورود نمایند و با لحاظ سیاست‌های کلی حکومت، قدرت اول آن حوزه باشند. در عصر حاضر، تدوین و اجرای خطمشی به‌صورت منفرد از سوی حاکمیت و بدون مشارکت ذی‌نفعان، اگر غیرممکن نباشد، بی‌تأثیر و ناکاراست. از این‌رو نحوه مراوده تشکلهای صنفی در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی، نقش مهمی در اثربخشی و کارایی خطمشی‌های تدوین‌شده خواهد داشت. در پژوهش حاضر تلاش شد تا عوامل اثرگذار بر مراوده‌ی غیراثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی بررسی و راهکارهای ایجاد مراوده‌ی اثربخش فی‌مابین این دو کشف و پیشنهاد شود.

روش‌شناسی: این پژوهش با رویکرد کیفی و به‌کارگیری استراتژی نظریه‌ی داده‌بنیاد ظاهرشونده، به شناسایی عوامل مؤثر بر مراوده‌ی غیراثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی و ارائه راهکارهایی برای ایجاد مراوده‌ی اثربخش میان این دو پرداخته است. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته با ۲۷ نفر از خبرگان مرتبط با تشکلهای صنفی و نهادهای حکمرانی گردآوری و سپس کدگذاری باز، محوری و نظری انجام شد. در ادامه، با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه و ادبیات موضوع، مدل مفهومی تحقیق تدوین گردید.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر مراوده غیراثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. نخست، علل حقوقی و مقرراتی شامل ناکارایی قوانین و مقررات، به‌روز نبودن و تکرر آن‌ها و نبود ضمانت اجرایی مناسب است. دوم، علل ساختاری مانند ضعف سازمانی و مالی تشکلهای، تعدد بیش از حد، بدنه ضعیف و فقدان شرح وظایف جامع. سوم، وضعیت اعضا شامل انفعال، عدم مشارکت مؤثر، ضعف آگاهی نسبت به ظرفیت‌های موجود و توقعات بیش از حد. چهارم، اقتضانات

واژگان کلیدی:

خط مشی عمومی، مراوده
اثربخش، بازیگران حکمرانی،
تشکل صنفی



سیاسی و اقتصادی نظیر نبود راهبرد مشخص حاکمیت در قبال تشکلهای صنفی و بی‌اعتمادی نسبت به بخش خصوصی. همچنین، عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله مشکلات فرهنگی و وجود سوءظن به تشکلهای و عوامل تاریخی همچون فراز و فرودهای تشکلهای صنفی در دوره‌های مختلف بر این روابط اثرگذار بوده است. پیامدهای این شرایط شامل ناکارآمدی در فرآیند خطامشی‌گذاری، عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل تشکلهای و بروز ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی است. برای رفع این معضلات، مجموعه‌ای از راهکارها پیشنهاد گردید که شامل اصلاح و تنقیح قوانین و مقررات با مشارکت تشکلهای، تقویت ساختار و بنیه مالی تشکلهای، ادغام و تشکیل نهادهای قوی‌تر، بازنگری در سیاست‌های اقتصادی، فرهنگ‌سازی، استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و دانشگاه‌ها، اعتمادسازی و بازتعریف نقش تشکلهای در جامعه و فرآیند خطامشی‌گذاری است. در مدل پیشنهادی پژوهش تأکید شده است که تشکلهای صنفی می‌توانند در تمامی مراحل چرخه‌ی خطامشی‌گذاری نقش‌آفرینی کنند. این نقش‌آفرینی شامل شناسایی و طرح مسائل عمومی، مشارکت در تدوین خطامشی، ایفای مسئولیت در اجرای خطامشی و حضور در فرآیند ارزیابی نتایج است. تحقق این امر مستلزم وجود بستر قانونی مناسب، ساختارهای قوی و کارآمد، و شکل‌گیری رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و تعامل با سایر بازیگران حکمرانی است. **نتیجه‌گیری:** نتیجه کلی پژوهش نشان می‌دهد که مراددهی اثربخش میان تشکلهای صنفی و دیگر بازیگران حکمرانی، زمینه‌ساز استفاده‌ی مطلوب از ظرفیت‌ها، کاهش نارسایی‌های موجود در خطامشی‌گذاری و رفع بخشی از ناهنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. این پژوهش همچنین پیشنهاد می‌کند که یک سند راهبردی ملی برای تقویت جایگاه تشکلهای صنفی و نهادینه‌سازی نقش آن‌ها در حکمرانی تدوین شود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر، عدم مشارکت برخی نهادهای کلیدی همچون قوه‌ی قضائیه در مصاحبه‌هاست که می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد توجه قرار گیرد.

استناد: منوریان، عباس؛ تاج‌بر، علی‌رضا (۱۴۰۴). ارائه مدل خطامشی‌گذاری شکل‌گیری مراددهی اثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۸(۱)، ۷۲-۲۶.

مقدمه

توسعه پایدار در هر جامعه با مشارکت تمامی ارکان با حاکمیت و استفاده حداکثری از ظرفیت آن‌ها پدید می‌آید. این مشارکت به صورت فردی و گروهی بوده که در بعد گروهی، افراد در قالب تشکل‌های رسمی و غیررسمی با گردآوری و اجماع نظرات، در راه نیل به اهداف از پیش تعیین شده سیر می‌کنند. از جمله این گروه‌ها تشکل‌های صنفی هستند که به صورت تخصصی و غیرسیاسی موجودیت یافته و به‌عنوان واسطه اعضای خود و جامعه می‌توانند نقشی اساسی را در حکمرانی و شکل‌گیری و تدوین خط‌مشی عمومی ایفا کنند. خط‌مشی‌های عمومی جهت‌گیری کلی هستند که برای مقابله با یک مشکل و مسئله عمومی و به منظور حل آن پدید می‌آیند. «خط‌مشی عمومی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست بلکه فرایندی است که شامل شناسایی مسئله عمومی، تدوین خط‌مشی، اجرا و ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی است» (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴: ۲). در عصر حاضر تدوین و اجرای خط‌مشی تنها توسط حاکمیت و بدون مشارکت دادن ذی‌نفعان اگر غیرممکن نباشد، بی‌تاثیر و ناکارآمد است. «ما در عصری، حیات خود را سپری می‌کنیم که جوامع، غالباً به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و پیشرفته می‌شوند. طبعاً با پیچیده شدن جوامع و ظهور و گسترش کنشگران مدنی و صنفی و تحول فکری و نگرشی، ساخت حکومت با روش‌های یک سویه حکمرانی، چندان جواب نمی‌دهد؛ لذا بایستی روش‌ها و سازوکارهای حکمرانی نیز، اصلاح و منطبق با اقتضانات و شرایط روز شوند. در این راستا است که در محافل علمی و دانشگاهی، موضوع حکمرانی خوب به‌مثابه مهم‌ترین و مقتضی‌ترین روش حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین مؤلفه این نوع روش حکمرانی همانا تعامل و مشارکت دادن کنشگران مدنی و صنفی در تصمیم‌سازی‌ها و مدیریت کشوری و نگاه به کنشگران یاد شده به‌عنوان مکمل و همکار برای حکومت است» (سردارنیا و جاهدین محمدی، ۱۳۹۵: ۵۷). بنابراین نحوه تعامل و مراوده تشکل‌های صنفی در یک عرصه سیاسی، نقش مهمی در اثربخشی و کارایی خط‌مشی‌های تدوین شده خواهد داشت. یک راهکار مؤثر برای اثربخشی مناسبات میان بخش خصوصی و دولت این است که تشکل‌های اقتصادی براساس اطلاعاتی که از وضع موجود صنعت، بخش یا صنف خود دارند، چالش‌های موجود و همچنین کانون‌های آسیب‌پذیری مرتبط را شناسایی، تحلیل و مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها و راهبردهای بهبود کسب و کار در آن بخش را با در نظر گرفتن منافع تمامی ذی‌نفعان و فعالان اقتصادی کشور احصا و به دولت و نهادهای سیاستگذار ارائه کنند. در جوامع توسعه‌یافته، حکومت وظایف و اختیارات خود را محدود و بخش عمده‌ای از مسئولیت‌ها را به نهادهای مردمی واگذار می‌کند. از جمله این نهادها، تشکل‌های صنفی هستند که با نام‌های مختلفی چون: انجمن، نظام، سندیکا، کانون و اتحادیه، شناخته شده‌اند. در کشور ما تشکل‌های صنفی با وجود ریشه تاریخی خود، نقش کم‌رنگی در خط‌مشی‌گذاری داشته و عمدتاً فعالیت آن‌ها به مسائل فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌ها خلاصه می‌شود. هر چند تشکل‌های پرنفوذی چون کانون وکلا، نظام پزشکی و نظام مهندسی در کشور فعال هستند، ولی غالب این نهادهای مدنی نقشی منفعل را در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایفا می‌کنند. قوانین و مقررات توسط مجلس، هیئت وزیران و سایر ارگان‌های حکومتی وضع می‌شود و بخش عمده اجرا بر عهده دولت است. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی به اعطای مجوزهای فعالیت می‌پردازند و در نهایت قوه قضائیه با حجم عظیم پرونده‌های جاری، بار تخلفات و اختلافات اصناف را هم بر دوش دارد. حتی پژوهش، توسعه و آموزش هم اغلب در سازمان‌های دولتی و حکومتی انجام می‌شود. امکان ایفای نقش تشکل‌ها در حساس‌سازی صنف نسبت به مسائل جاری و وارد کردن مسائل حرفه‌ای در دستور کار خط‌مشی‌گذاران اندک است. از سوی دیگر در خود تشکل‌های صنفی نیز نقاط ضعف و مشکلاتی مشهود است. بسیاری از تشکل‌ها فاقد ساختار و استراتژی مدون بوده و با استانداردها فاصله زیادی دارند. انفعال در اغلب تشکل‌ها مشهود است و در برخی از تشکل‌های مهم کشور متأسفانه از اختیارات تفویض شده، سوء استفاده می‌گردد و ایجاد انحصار، یک جانبه‌گرایی و قیمت‌گذاری ناعادلانه از جمله مواردی است که در برخی تشکل‌ها جاری است. بنابراین در تفویض اختیار و شرح وظایف و میزان قدرت تشکل‌ها هم باید به تهدیدها توجه کرد. به منظور اجرا و ارزیابی تشکل‌ها، باید چارچوبی استاندارد و مدلی قابل توسعه به منظور تعیین معیارهای ارزیابی عملکرد و تبیین ساختار و استراتژی منطبق با استانداردها در دستور کار قرار گیرد. تجربه جهانی و حتی داخلی ثابت کرده که می‌توان به تشکل‌های صنفی اعتماد کرد و از ظرفیت‌های آن‌ها استفاده کرد و این مهم وابسته به مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی است و در این پژوهش تلاش ما بر آن است که موانع

شکل گیری مراوده اثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی را شناسایی و راهکارهای رفع موانع و ایجاد مراوده اثربخش فی مابین این دو را کشف و پیشنهاد دهیم.

مبانی نظری

حکمرانی روش اعمال قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی در جهت توسعه آن کشور است. حکمرانی فرایندی است که از طریق آن حکومت‌ها با سازمان‌های اجتماعی دیگر تعامل کرده، با شهروندان مرتبط شده و در دنیایی پیچیده و بهم پیوسته، تصمیم‌گیری می‌کنند. «امروزه دولت تنها بازیگر صحنه کشور محسوب نمی‌شود و حکمرانی صرفاً حاصل عمل او نیست، بازیگران حکمرانی در جامعه دولت، بخش خصوصی، بخش سوم یا تشکلهای غیردولتی، گروه‌های ذی‌نفع، سازمان‌های مذهبی، رسانه‌ها و در برخی جوامع نیروی انتظامی است» (الوانی، ۱۳۸۸: ۲). طراحی فرایندی از توسعه با جنبه‌های مشارکتی و همکارگونه بازیگران حکمرانی، در "نظریه حکمرانی خوب" مطرح می‌شود. در این رویکرد بر اهمیت مشارکت بخش خصوصی، جامعه مدنی و حکومت تأکید می‌شود و این شعار مدنظر قرار می‌گیرد که «فقط عامه مردم می‌توانند برای توسعه کشور خود ارائه طریق کنند» (دفتر بررسی‌های اقتصادی ۱۳۸۳، ۳۴ به نقل از پورعزت ۱۳۹۵: ۲۷۰). حکمرانی خوب در رابطه‌ای شبکه‌ای و نه سلسله‌مراتبی میان بازیگران تحقق می‌یابد و در این رابطه همه اجزا در شبکه با هم ارتباطی هم‌ارز و هم‌سطح دارند. «زندگی در شبکه‌ها و همکاری و همیاری هم‌افزا بین بازیگران نتیجه مطلوبی نمی‌دهد مگر آن‌که در فضای اعتماد و اطمینان فی مابین شکل گیرد. وجود سرمایه اجتماعی لازمه تحقق حکمرانی خوب از طریق مشارکت نهادهای جامعه مدنی با دولت است» (الوانی، ۱۳۸۸: ۲). «دولت‌ها به دلیل کمبود دانش و مهارت‌های لازم در بدنه کارشناسی، منابع مالی محدود، عدم انعطاف سازمانی، بوروکراسی‌های متمرکز و قانون‌مدار از انجام بسیاری از فعالیت‌های ضروری بازمانده‌اند و نیاز به همکاری سایر نهادها را به خوبی احساس کرده‌اند. اما این همکاری باید به گونه‌ای شکل گیرد که به وجود آورنده هم‌افزایی در میان بازیگران حکمرانی خوب باشد. هم‌افزایی به عنوان یکی از ویژگی‌های سیستم، زمانی تحقق می‌یابد که بردارهای نیرو، میان واحدهای تشکیل‌دهنده آن سیستم، هم‌راستا بوده و در جهت خلاف یکدیگر حرکت نکنند» (همان). هم‌راستایی و هم‌افزایی بازیگران حکمرانی در مشارکت آن‌ها در تدوین خطمشی عمومی تجلی می‌یابد. توماس دای^۱ خطمشی عمومی را «هر آنچه که حکومتی انتخاب می‌کند تا انجام دهد یا انجام ندهد» توصیف می‌کند (هاولت^۲ و رامش^۳، ۱۳۹۵: ۷). «ویلیام جنکینز^۴ (۱۹۷۸) خطمشی عمومی را مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص به شرط آن‌که این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشند، می‌داند. وی خلاف دای که خطمشی را یک انتخاب می‌داند، آن را فرایندی شامل یک سلسله اقدامات در نظر می‌گیرد که از زمان احساس مشکل عمومی (مرحله نهفتگی مشکل) شروع می‌شود و تا ارزیابی از اجرای خطمشی ادامه می‌یابد و صرفاً اتخاذ یک تصمیم نیست» (قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۹۷). جیمز اندرسون^۵ تعریفی کلی‌تر را ارائه می‌دهد و خطمشی را مجموعه اقداماتی هدف‌مدار توصیف می‌کند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله مورد توجه در نظر گرفته می‌شود. تعریف اندرسون دو عنصر به مجموعه عناصر اشاره شده از سوی دای و جنکینز اضافه می‌کند. نخست، این تعریف خاطر نشان می‌کند که تصمیمات در مورد خطمشی‌ها غالباً به وسیله مجموعه‌های بازیگران، به جای صرفاً یک مجموعه یا یک بازیگر در دولت گرفته می‌شوند. دوم، در تعریف اندرسون بر ارتباط بین اقدام دولت و ادراک (واقعی یا غیرواقعی) وجود یک مشکل یا موضوعی که مستلزم نوعی اقدام است، تأکید شده است (هاولت و رامش، ۱۳۹۵: ۱۴). هاولت و رامش، بازیگران چرخه خطمشی‌گذاری را به پنج گروه شامل: کارگزاران منتخب اعم از کارگزاران قوه مجریه و نمایندگان قوه مقننه، کارگزاران منصوب، گروه‌های ذی‌نفع، سازمان‌های پژوهشی و رسانه‌های جمعی، تقسیم می‌کنند (هاولت و رامش، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۰۷). «ذی‌نفعان،

¹ Thomas Dye

² Howlett

³ Ramesh

⁴ William Jenkins

⁵ James Anderson

افراد یا گروه‌هایی هستند که در امور سازمان عمومی منفعت دارند، مانند شهروندان، سیاست‌مداران، کارکنان شهری، مشتریان، انجمن‌های محلی، مراجع‌کنندگان، سهامداران، انجمن‌های تجاری، اتاق‌های فکر، گروه‌های تجاری، انجمن‌های خیریه، اتحادیه‌ها و رسانه‌ها. ذی‌نفعان گاهی با لابی کردن و استفاده از درپچه‌های فرصت، از تغییر منافع خطامشی به سمت اهداف و منافع خود سود می‌برند^۱ (تیمرمنا، ۲۰۱۵: ۲۵، به نقل از پورعزت، ۱۳۹۶: ۱۸). «گروه ذی‌نفع با منابع قدرت، توانمندی و ظرفیتی که در اختیار دارد و با استفاده از توان سازمان‌یافتگی، می‌تواند آثار ارزنده و مثبتی در فرایند خطامشی‌گذاری بر جای گذارد که از جمله آن‌ها می‌توان به تبیین انتظارات و نیازهای شهروندان، تدوین دستور کار برای خطامشی‌گذاری، اعمال نظارت و کنترل و تحلیل مسائل عمومی، اشاره کرد» (قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۳-۱۷۲). «گروه‌های ذی‌نفع به منظور اعمال نفوذ و فشار و نیز به منظور تأثیرگذاری بر خطامشی‌های عمومی باید دارای منابع پشتیبانی‌کننده باشند. به عبارت دیگر، منابع قدرت و نفوذ این گروه‌ها، سبب اعمال فشار و نفوذ خواهد بود. این منابع در گروه‌های مختلف متفاوت است. برخی از این منابع عبارت‌اند از: منبع قانونی (نفوذ از طریق مقررات/ اثرگذاری قانون)، ترغیب و امتناع (اقناع‌سازی)، نفوذ از طریق راهبران نخبه یا نخبگان و انتخابات و اعلام رأی‌ابزاری برای اعمال فشار» (همان: ۱۸۵-۱۸۳). تشکل‌های صنفی از جمله گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذی هستند که می‌توانند نقش مهمی را در حکمرانی و تدوین خطامشی عمومی ایفا کنند. تشکل به معنای شکل گرفتن است و هر گروه و دسته و طبقه از پیشه‌وران و صاحبان حرفه و کسبه هم‌شغل را صنف می‌گویند و انجمن و گروهی که از صاحبان حرفه و کسبه هم‌شغل تشکیل شده باشد را «تشکل صنفی» می‌نامند. تشکل صنفی اجتماعی است غیرسیاسی، غیردولتی، مدنی، حرفه‌ای و اغلب خودانتظام^۲ و خودگردان که از اجتماع گروه‌های ذی‌نفع در یک قالب غیرانتفاعی به‌وجود می‌آید». این تشکل‌ها در علم مدیریت دولتی با نام‌های دیگری نیز شناخته می‌شوند از جمله: گروه‌های مولد (قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۵)، گروه‌های اقتصادی (قلی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۷)، گروه‌های بخشی (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۲) و گروه عملیاتی (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۳). در اذهان عمومی نیز از تشکل‌های صنفی با اسامی مختلفی یاد می‌شود از جمله: کانون^۳، سندیکا^۴، نظام^۵، اتحادیه^۶ و انجمن^۷. تمام اسامی مذکور به معنای تشکل صنفی به‌کار می‌رود و عملاً تفاوتی در عملکرد و وجه تسمیه آن‌ها در ایران و جهان وجود ندارد؛ البته برای تشکل‌های کارگری و کارمندی که با هدف حمایت از اعضا و صیانت از حقوق ایشان در برابر کارفرما و سایر عوامل تشکیل می‌شود، اصطلاحات دیگری نیز مانند خانه (کارگر)، شورای اسلامی (کار) و جمعیت (فرهنگیان)^۸ نیز به‌کار می‌رود. به‌صورت کلی اهداف و وظایف یک تشکل صنفی را می‌توان، دفاع از حقوق و منافع اعضا، نمایندگی صنف در برابر دیگران، تشریح ظرفیت‌ها، ارتقای سطح علمی و حرفه‌ای صنف، نفوذ در تصمیم‌گیری‌های کلان و حل اختلافات دانست. تشکل‌ها می‌توانند با پذیرش یک سلسله وظایف اجرایی از سوی دولت، بار سنگین وظایف دولت را کاهش داده و به کوچک کردن دیوان‌سالاری دولتی کمک کنند.

سابقه فعالیت تشکل‌های صنفی در ایران به قرن چهارم میلادی و دوره ساسانیان بر می‌گردد (پیگولوس کایا^۹ و دیگران، ۱۹۷۳، به نقل از حاجیان‌پور و تاجداری، ۱۳۹۲). در عصر معاصر پس از شهریور ۱۳۲۰ و به دلیل نوسان شدید مناسبات سیاسی و اجتماعی به‌ویژه بحران‌های اقتصادی در جامعه ایران، زمینه فعالیت اصناف و بازاریان افزایش یافت. تکاپوهای صنفی و اجتماعی اصناف در ۱۳۲۶ هجری شمسی به تأسیس «اتحادیه اصناف تهران» انجامید و در سال ۱۳۳۷ شورای عالی اصناف تأسیس شد. هم‌اکنون صنوف با احتساب تراکم خانوار، بیشترین میزان جمعیت را بعد از کشاورزان و کارمندان در کشور دارا هستند و طبق آمارهای رسمی بانک مرکزی

¹ Timmermans

² Self-regulation

³ Association

⁴ Syndicate

⁵ Council

⁶ Union

⁷ Guild

⁸ Trade Union, Labor Union

⁹ Pigo Los Kaia

و مرکز آمار ایران، سهم اصناف در تولید ناخالص ملی ۲۵ درصد و سهم آن‌ها در ایجاد اشتغال بیش از ۴۷ درصد است. همچنین در سطح کشور حدود ۳ میلیون واحد صنفی فعالیت می‌کنند و واحدهای صنفی کوچک تقریباً نزدیک به ۹۵ درصد توزیع کالا در کشور را بر عهده دارند (نقل در تارنمای اتاق اصناف ایران). مراوده اثربخش تشکلهای صنفی با سایر بازیگران حکمرانی، علاوه بر رشد و اعتلای تشکل، بر اثربخشی خط‌مشی‌گذاری نیز تأثیر داشته و حد مطلوب مشارکت را فراهم می‌آورد. با توجه به ماهیت بازیگران حکمرانی، می‌باید رابطه تشکلهای صنفی با حاکمیت و سایر سازمان‌ها و نهادهایی که در حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری نقش‌آفرین هستند، بررسی شود. رابطه تشکلهای صنفی و بازیگران سازمانی حکمرانی، نوعی رابطه بین سازمانی^۱ است که به‌صورت سرمایه‌گذاری مشترک^۲، شبکه^۳، کنسرسیوم^۴، اتحاد^۵، انجمن تجاری^۶ یا ائتلاف مدیران^۷ برقرار می‌شود. از سوی دیگر روابط بین دولت و سازمان‌های غیردولتی را می‌توان بر مبنای چهار عامل دسته‌بندی کرد: ۱- پذیرش تکثرگرایی نهادی؛ ۲- عدم پذیرش تکثرگرایی نهادی؛ ۳- توازن قدرت در روابط متقابل؛ ۴- عدم توازن قدرت در روابط متقابل. براساس این چهار عامل، هشت نوع رابطه فی‌مابین سازمان‌های غیردولتی و حاکمیت حاصل می‌شود که شامل: تشریک مساعی^۸، تکمیل^۹، همکاری^{۱۰}، طرف سوم^{۱۱}، پیمانکاری^{۱۲}، رقابت^{۱۳}، تخصص^{۱۴} و سرکوب^{۱۵} است (کاستن^{۱۶}، ۱۹۹۸: ۳۵۸). یک رابطه سالم میان دولت و سازمان‌های غیردولتی زمانی قابل تصور است که هر دو طرف اهداف مشترکی داشته باشند. در دیدگاه لیبرال، جامعه مدنی کمکی ضروری برای دولت محسوب می‌شود، به‌ویژه از نظر کاهش بار بر دوش دولت و به منزله چک و کنترل بر تجاوزهای دولت. در این دیدگاه دولت دموکراتیک دولت حداقلی است و جامعه مدنی می‌تواند جایگزین احزاب سیاسی یا دولت شود (کورت^{۱۷}، ۲۰۰۷: ۳۴۲-۳۴۱). دولت قوی و جامعه مدنی قوی مانع یکدیگر نیستند. رابطه‌ای متعادل میان آن دو لازم است و به آن منظور سیستمی نیاز است که در آن تمام گروه‌ها از فرصت برابری برای ارائه منافع خود به‌صورت آشتی‌جویانه برخوردار باشند و از آن‌جا که منابع در دسترس برای گروه‌های مختلف جامعه مدنی در یک محیط کثرت‌گرا نابرابر است، دولت باید برای فراهم‌سازی محیطی به منظور صدا بخشیدن به تقاضای بخش‌های مختلف جامعه به‌صورت برابر، مسئول باشد. در عوض، گروه‌های جامعه مدنی نباید فقط استقلال خود را در برابر دولت حفظ کنند بلکه باید مطمئن شوند که سایر گروه‌ها نیز رابطه امتیازجویانه‌تری نسبت به دیگر گروه‌ها با دولت برقرار نمی‌کنند (همان، ۳۴۰). یک مراوده اثربخش:

- از نظر قدرت و اقتدار نه دولت را برتر می‌داند نه جامعه مدنی را، بلکه در پی قدرت دادن هم‌زمان به این دو است.
- دولت و جامعه مدنی به بهای دیگری عمل نمی‌کنند، بلکه همکاری میان آن‌ها را باید افزایش داد.
- نابرابری‌های توزیع منابع فقط در محیط‌های غیر سلسله‌مراتبی و مشارکتی می‌توانند حل‌وفصل شوند.
- در پی رابطه‌ای جامع میان دولت و جامعه مدنی است که در آن با هیچ سازمانی به‌طور مرجح رفتار نمی‌شود (همان، ۳۴۳).

¹ Interorganizational Relationships

² Joint Venture

³ Network

⁴ Consortia

⁵ Alliance

⁶ Trade Association

⁷ Interlocking Directorate

⁸ Collaboration

⁹ Complementarity

¹⁰ Cooperation

¹¹ Third Party

¹² Counteracting

¹³ Competition

¹⁴ Rivalry

¹⁵ Repression

¹⁶ Coston

¹⁷ Korkut

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی با جهت‌گیری کاربردی است و با وجودی که می‌توان پارادایم‌های عمل‌گرایی، فرا اثبات‌گرایی و ساخت‌گرایی را به این پژوهش نسبت داد، ولی طبق توصیه گلنزر (کایلا، ۲۰۱۹: ۲)، تلاش شد پژوهش تحت تأثیر پارادایمی قرار نگیرد. رویکرد پژوهش استقرایی است و استدلال آن رسیدن از جزء به کل است که با استفاده از معلومات جزئی و برقراری ارتباط بین آن‌ها، حکم کلی استنتاج شد. هدف این پژوهش اکتشافی و افق زمانی آن تک‌مقطعی است و گردآوری داده‌ها ابتدا از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی تکمیل شد. در پژوهش با استفاده از استراتژی نظریه داده‌بنیاد کلاسیک به ارائه یک چارچوب تحلیلی انتزاعی از یک تعامل پرداخته شد. نظریه داده‌بنیاد، مجموعه‌ای یکپارچه از فرضیه‌های مفهومی است که از داده‌ها ظاهر می‌شود (گلنزر^۱، ۱۹۹۸: ۴۸). پژوهشگرانی که از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌کنند، دغدغه و دل‌نگرانی اصلی شرکت‌کنندگان را شناسایی می‌کنند و بیان می‌کنند که چگونه این دغدغه به دست آنان حل می‌شود (گلنزر و استراوس^۲، ۱۹۶۷: ۱۰۱). در این روش به‌جای استفاده از داده‌ها برای آزمون نظریه، از داده‌ها برای ایجاد نظریه استفاده می‌شود (گلنزر، ۲۰۰۵: ۲۲). با توجه به عدم وجود نظریه مشابه و درجهت نظریه‌سازی در زمینه «مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران خط‌مشی‌گذاری»، در پژوهش حاضر از روش داده‌بنیاد استفاده می‌شود ولی باید توجه داشت که این استراتژی دارای یک روش منحصر به فرد نبوده بلکه چند روش را شامل می‌شود که هر کدام از این روش‌ها کاملاً متفاوت با دیگری است و لذا تعیین روش درست، بر نتایج پژوهش اثر قابل توجهی خواهد داشت. این روش‌ها شامل روش ظاهرشونده^۳ (روش گلنزر)، روش نظام‌مند^۴ (روش استراوس و کربین) و روش ساخت-گرایانه^۵ (روش چارمز^۶) بوده (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۶۹) و از آن‌جا که هدف اصلی پژوهش، اکتشاف و فهم بود و اصرار بر عدم استفاده از تجارب شخصی پژوهشگر در زمینه تشکل صنفی وجود داشت، از روش «ظاهرشونده گلنزر» جهت گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. در این راستا، ادبیات و پیشینه پژوهش موقتاً معلق نگه داشته شد و پیش‌فرضی وجود نداشت و پژوهش با ابهام و صرفاً با سؤال آغاز شد: «چگونه می‌توان در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، مراوده‌ای اثربخش بین تشکل‌های صنفی با سایر بازیگران حکمرانی به وجود آورد؟»

فرایند اجرای نظریه داده‌بنیاد کلاسیک خطی نبوده و در جهت اجرای آن رویه‌ای به شرح شکل ۱ در پیش گرفته شد:

¹ Kailah

² Glaser

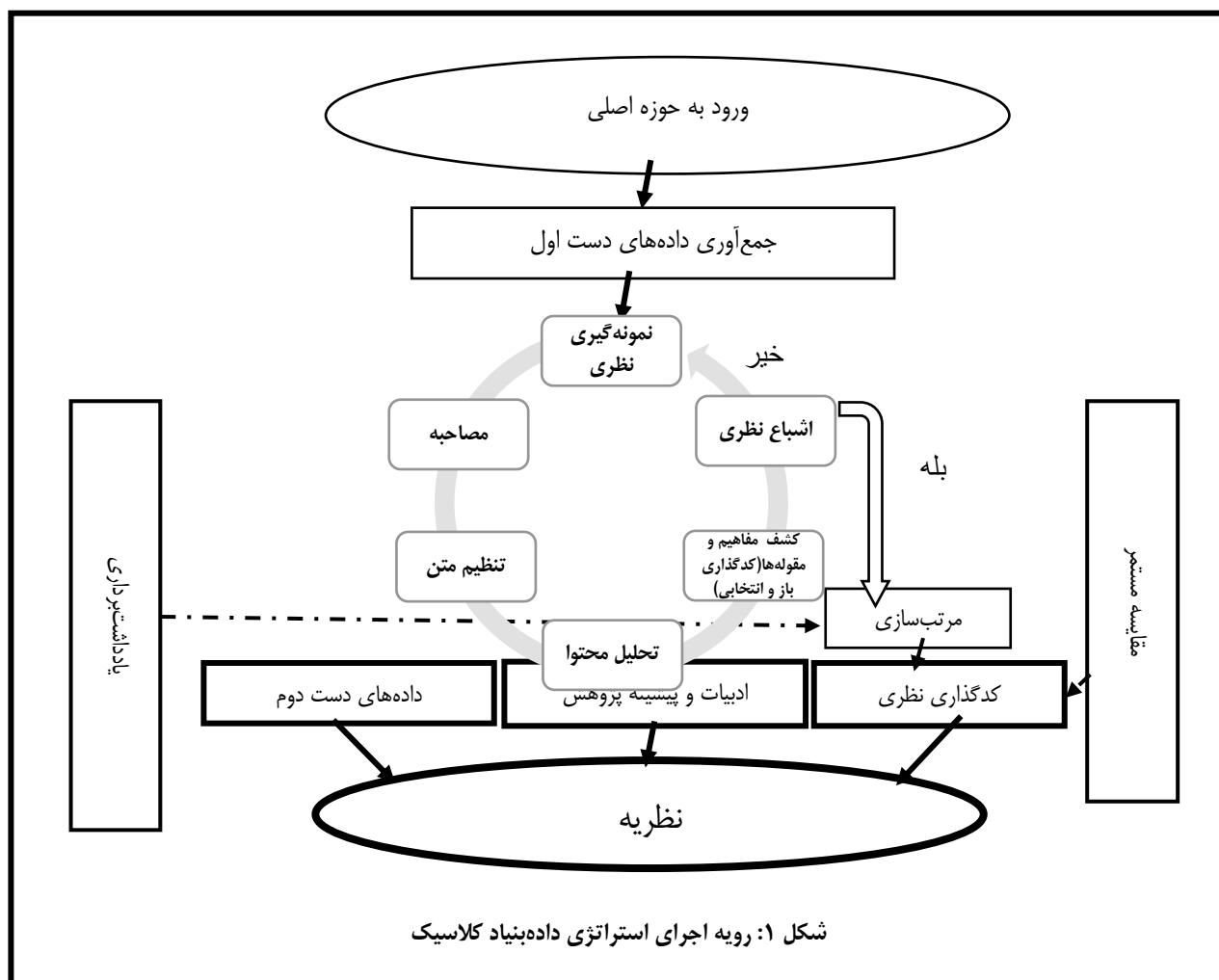
³ Strauss

⁴ Emergent

⁵ Systematic

⁶ Constructivist

⁷ Charmaz



جامعه پژوهش و مشارکت‌کنندگان

جامعه پژوهش شامل تشکلهای صنفی، نهادهای مرتبط با این تشکلهای دیگر بازیگران حکمرانی است. جهت نمونه‌گیری از این جامعه، از نمونه‌گیری نظری استفاده شد و به صورت هدفمند با استفاده از رویدادها، افراد یا واحدها بر مبنای تأثیر آنها در فضای تشکلهای صنفی، نمونه‌گیری اولیه انجام شد. نمونه‌گیری باز و نسبتاً نامحدود/غیرمقید از این جامعه آغاز شد ولی براساس پیشنهاد تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، در احصای بازیگران حکمرانی بازنگری شد و براساس این جامعه، نمونه پژوهش به صورت ذیل تعریف شد:

الف: نمونه مرتبط با تشکلهای صنفی:

۱- تشکلهای صنفی ویژه: شامل کانون وکلا، نظام مهندسی، کانون سردفتران و دفترباران، کانون کارگزاران بورس و اوراق

بهادار، سندیکای بیمه، کانون نهادهای سرمایه‌گذاری؛

۲- تشکلهای ذیل قانون نظام صنفی؛

۳- صاحب‌نظر فعال در اتاق ایران و یا یکی از شهرستان‌ها و یا اتاق اصناف و یا انجمن مدیران صنایع.

ب: نمونه مرتبط با دیگر بازیگران حکمرانی:

۱- قوه قضائیه؛

۲- صدا و سیما؛

- ۳- مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
 - ۴- مجلس شورای اسلامی ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران؛
 - ۵- سردبیر یکی از ۵ خبرگزاری برتر کشور براساس رتبه‌بندی وزارت ارشاد اسلامی^۱؛
 - ۶- جامعه دانشگاهی؛
 - ۷- وزارت‌خانه‌های کشور، صمت، راه‌وشهرسازی، امور اقتصادی و دارایی.
- در مجموع از ۶۰ درخواست مصاحبه، ۲۹ نفر اعلام آمادگی کردند که با ۲۷ نفر مصاحبه انجام شد.

ارزیابی کیفیت پژوهش

- با استفاده از معیارهای کیفیت‌سنجی، راهبردهای پیشنهادی لینکلن^۲ و گوبا^۳ (۱۹۸۵: ۲۹۰ نقل در محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۸۷-۱۸۴ و ۲۲۶) جهت کیفیت‌سنجی پژوهش کیفی به شرح ذیل انتخاب و اجرا شد:
- ۱- درگیری طولانی‌مدت: پژوهشگر به مدت ۹ سال در یک تشکل مشغول به فعالیت بوده و بیش از نیمی از عمر کاری او در این تشکل صنفی سپری شده است؛
 - ۲- مشاهده مصرانه: از زمان انتخاب موضوع رساله، پژوهشگر به مدت ۴ سال موضوع تشکل‌های صنفی را مدنظر خود قرار داده و پیگیر اخبار، حواشی و مشکلات این حوزه بوده است. حساسیت نظری^۴ بالای او نسبت به موضوع پژوهش منجر به تمییز داده‌های اساسی از میان حجم بالای داده‌ها شده است؛
 - ۳- زاویه‌بندی: گردآوری داده‌های پژوهش از منابع متعدد و متنوعی انجام شد و در انتخاب مصاحبه‌شوندگان صرفاً به یک جبهه اکتفا نشد و مصاحبه‌شوندگان از ذی‌نفعان مختلف شامل تشکل‌های صنفی، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه، رسانه‌ها و دانشگاه انتخاب شدند؛
 - ۴- اعتبار پاسخگو: مصاحبه‌شوندگان از بالاترین سطح یک تشکل صنفی و یا نهاد مرتبط انتخاب شدند. این افراد با سن بالاتر از ۴۵ سال بوده و بیش از ۲۰ سال سابقه کاری داشتند و عمدتاً دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر بودند؛
 - ۵- کنترل عضو: مقوله‌ها، مدل استخراجی، توضیحات مدل و راهبرد پیشنهادی پژوهش برای ۱۲ نفر از مصاحبه‌شوندگان ارسال شد. پس از گذشت دو ماه از ارسال و با چند بار پیگیری، ۷ نفر از ایشان، نتایج پژوهش را مطالعه و آن را تأیید کردند؛
 - ۶- عینیت کیفی: مدل استخراجی و نتایج پژوهش کاملاً براساس روش ظاهرشونده گلیر به‌دست آمد و مدل ارائه‌شده، حاصل مقوله‌های اصلی، مقوله‌های اصلی حاصل مقوله‌های فرعی، مقوله‌های فرعی حاصل مفاهیم، مفاهیم مستخرج از کدهای باز و کدهای باز از مصاحبه‌ها و داده‌های ثانویه به‌دست آمده است؛
 - ۷- داوری تأییدپذیری: پژوهش حاضر دارای یک استاد راهنما و چهار استاد داور است. با تایید روش پژوهش و نتایج آن توسط ۵ استاد، داوری تأییدپذیری حاصل خواهد شد؛
 - ۸- کاربردپذیری: راهبردهای ارائه‌شده در جهت شکل‌گیری مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی، آرزوها و ساخته‌های ذهنی پژوهشگر نبوده بلکه براساس نظر مصاحبه‌شوندگان، تجربه‌های موفق در برخی اصناف و تجربه‌های جهانی نگاشته شده است.
- جمع موارد مذکور، باورپذیری - اطمینان‌پذیری - تأییدپذیری و انتقال‌پذیری پژوهش حاصل و در نهایت کیفیت بالای نتایج پژوهش را اثبات می‌کند.

^۱ <https://press.farhang.gov.ir>

^۲ Lincoln

^۳ Guba

^۴ Theoretical Sensitivity

یافته‌های پژوهش

پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی مصاحبه به متن تبدیل و سپس مراحل روش ظاهرشونده گلیزر، اجرا شد. در مرحله اول تحلیل محتوا و کدگذاری باز انجام شد. در این مرحله، گلیزر برای تحلیل محتوا و استخراج نکات اصلی، کدگذاری ماهوی^۱ را معرفی می‌کند که شامل فرایند مفهوم‌سازی^۲ یافته‌های تجربی است. متن تهیه شده از مصاحبه، خط‌به‌خط مطالعه شده و نکات کلیدی و عبارات مهم (از دید پژوهشگر) نشانه‌گذاری^۳ شد. هر کدام از کدهای نشانه‌گذاری شده شامل یک مفهوم^۴ اعم از یک زمینه^۵ یا یک متغیر^۶ است و قدرت مفهوم‌سازی داده‌ها (خلق مفهوم از داده‌ها) و ایجاد ارتباط بین آن‌ها به حساسیت نظری پژوهشگر بستگی دارد (گلیزر، ۱۹۷۸: ۲۵). پژوهشگر طی این مرحله همواره این سؤالات را در ذهن خود دارد که: این داده بیانگر چیست؟ این واقعه در چه دسته‌ای قرار می‌گیرد؟ نگرانی اصلی مصاحبه‌شونده چه بود و راه حل بلندمدت آن چیست؟ (همان). در تمام طول پژوهش، مقایسه مستمر حاکم بود و در برخی موارد مجدداً به مصاحبه قبلی رجوع شد. در نهایت پس از تحلیل محتوای آخرین مصاحبه، ۲۳۰ کد باز به شرح جدول ۱ استخراج شد.

جدول ۱: کدهای باز استخراج‌شده

مرادده اندک	قدمت تشکل	هویت تشکل‌ها	اتحاد فکری	اتحاد تخصصی
مشارکت	اقتصاد ناپیدا	تنوع عرضه	تنوع تقاضا	حکمرانی دوطرفه
فقدان عملگرایی	آرمان‌گرایی	فقدان مدل	سبقه تاریخی	تعدد تشکل‌ها
انفعال	بستر تاریخی	فاصله حکمرانی	لانه فساد اقتصادی	احیای اتاق
نوپا بودن تشکل	حکمرانی چندلایه‌ای	نقش اصناف در انقلاب	استقلال	محافظه‌کاری
بستر مرادده	مشاوره	شکل‌یافتگی تشکل‌ها	انسجام حرفه‌ای	بازیگری پنهان
اثرنهادهای امنیتی	رانت‌خواهی	شورای گفتگو	توزیع متعادل	انتفاع اقتصادی
خودخواهی	شرح وظایف	قوانین پایه	قوانین میانه	قوانین عالی
وزیر برآمده از دل صنعت	وزیر سیاسی	وزیر دانشگاهی	حکمرانی سیاسی	حکمرانی علمی
حکمرانی تطبیقی	عدم باور	عدم اعتماد	عدم اعتقاد	بخش خصوصی
مغایرت حرف و عمل	تفویض اختیار	نظارت	خلاء مقررات	به‌روز نبودن مقررات
فقدان مقررات	تکثر مقررات	تعدد مقررات	تنقیح مقررات	مرجع مقررات‌گذاری
فرهنگ فردگرایی	درون‌گرایی اصناف	اعضای فعال	اعضای بادنش	اعضای بانفوذ
اعضای باتجربه	در باز تشکل	هیئت مدیره بانفوذ	هیئت مدیره سیاسی	هیئت مدیره باتجربه
هیئت مدیره کاربرد	اعضای پرتوقع	اعتراض اعضا	اعتراض تشکل	اعتماد اعضا
ارتباط اعضا	اعتقاد اعضا	رابطه مبتنی بر اعتماد	سوء ظن اعضا	فیلتر رابطه با قوا
تمرکز در قوه	درخواست عمومی	درخواست مرتبط	توان مالی اندک	ارتباط ضعیف با رسانه
اعطای مجوز	قیمت‌گذاری	اعمال نفوذ	اثرگذاری بر قانون	تدوین قانون
پیشنهاد قانون	اجرای قانون	اصلاح قانون	اثربخشی قانون	کارآیی قانون
جلوگیری از تصویب قانون	اندازه هیئت مدیره	کارگروه تخصصی	موضع‌گیری هیئت مدیره	دیدگاه نظام‌مند
بحث کارشناسی	لابی خوب	لابی نفرت‌انگیز	لابی سیاسی	لابی تخصصی

¹Substantive Coding

² Conceptualizing

³ Labeling

⁴ Concept

⁵ Theme

⁶ Variable

مراوده اندک	قدمت تشکل	هویت تشکل‌ها	اتحاد فکری	اتحاد تخصصی
استفاده از ظرفیت اعضا	کشف نقطه تعادل	تضاد منافع تشکل‌ها با هم	تضاد منافع هیئت مدیره با اعضا	نماینده نهاد ناظر
نظارت‌های موازی	صدور مجوز	لغو مجوز	تعلیق مجوز	سقف صدور مجوز
مسیر جهانی	رقابت	اجبار بروکراسی	نیروی انسانی	فضای اداری
تناسب خدمات و حق عضویت	نظام اقتصادی	سوسیالیسم	لیبرالیسم	خصوصی‌سازی
حمایت از مصرف‌کننده	حمایت از تولیدکننده	مالیات	یارانه	نظام سیاسی
شورایسندی	دستور از بالا به پایین	پیشنهاد از پایین به بالا	خودخواهی	نفع اعضا
تعادل منافع	اخلاق	دیگرخواهی	نفع سیستم	نفع جامعه
منافع کوتاه‌مدت	منافع بلندمدت	نمایش	مدیریت زمان	حواشی اصناف
انجمن تخصصی	انجمن قوی	تضاد منافع اعضا	بخش خصوصی کمک‌حال دولت	کمک اصناف در تحریم
کمک مالی دولت	وظیفه نظارتی دولت	وظیفه حاکمیتی دولت	دولت حجیم	دولت روبه‌رشد
دولت رقیب‌بخش خصوصی	وظایف دولت بهبود فضای کسب‌وکار	برون‌سپاری	ضعف در کار تیمی	مشکل فرهنگی
مشکلات اجتماعی	مسئولیت اجتماعی	دوره آموزشی	تخلف اصناف	عدم همکاری اصناف
بدنه ضعیف اصناف	عدم مشارکت‌جویی اصناف	منفعت‌طلبی مدیران اصناف	عدم مطالبه‌گری	خودبزرگ‌بینی مدیران
سوء استفاده مدیران	ایجاد انحصار	عدم توجه به مصلحت	دیدگاه سیاسی و حزبی	انفعال مدیران
قیح ثروت	کاسب حبیب خدا نیست	نگاه بد به بازرگان	عدم درک اسناد بالادستی	عدم توجه به ابرخطمشی
عدم مطالعه بودجه سالانه	عدم دید نظام‌مند	عدم اشراف به اقتصاد	عدم اشراف به قوانین	خواسته‌های نامعقول
عدم وجود شرح وظایف	توهم دانای کل	غرور ناشی از تجربه	دنیاوی کوچک	خلاء قانونی
آموزش بدو ورود	آموزش دوره‌ای	رانت اقتصادی	انرژی ارزان	وام ارزان
ارز ارزان	هم‌راستایی منافع تشکل‌ها و کشور	حرف‌شنوی اعضا	خودانتظام بودن	وحدت رویه در انتخاب هیئت مدیره
اتحاد اصناف	فاصله صنف با اعضا	چشم‌پوشی از برخی منافع	ادغام اصناف	مقررات‌زدایی
شعبه اقتصادی قوه قضائیه	تصمیم‌سازی	مرجع بودن اتحادیه	پرداخت مالیات یک ارزش است	پالایش ورودی به شورا
حل اختلافات اعضا	سطح جغرافیایی فعالیت	انتشار دستاوردها	اجرای نادرست قوانین	انجمن مشاور دولت است
انجمن سفیر دولت است	هماهنگی در خطمشی‌گذاری	وظایف اتاق اصناف	نهاد محوری	تفاوت سلیقه‌ها
تمامیت‌خواهی متولی	مزیت نسبی	صرفه به مقیاس	اثر افزایش قیمت بر کارگر	چرخه عمر انجمن
مهیا بودن بستر مراوده	جذب فردی و صنفی	رسانه نماینده افکار عمومی	ساختار پیر و سنتی تشکل	نقش دولت‌سازندگی

پس از بررسی کدهای باز و مقایسه آن‌ها، کدهای مشابه حذف و ادغام شدند و از ترکیب آن‌ها، مفاهیم پدیدار شد و ترکیب چند مفهوم مشترک، مقوله‌های^۱ فرعی را تشکیل دادند. مقوله‌های فرعی نیز دارای اشتراکاتی بودند و چند مقوله فرعی، پایه‌گذار مقوله اصلی شد. در نتیجه این اقدامات، ۵۴ مفهوم، ۱۶ مقوله فرعی و ۸ مقوله اصلی به شرح جدول ۲ استخراج شد:

^۱ category

جدول ۲: مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی پژوهش

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم	ردیف
لزوم شکل‌گیری مرادده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی	مرادده اندک و غیراثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی	فقدان مرادده یا مرادده ناقص	۱
		عدم حصول نتیجه از مرادده	۲
		عدم استمرار و آشفتگی مرادده فی‌مابین	۳
	ضرورت مرادده اثربخش و امکان‌پذیر بودن آن	بازخورد مثبت از مراددهات انجام‌شده	۴
		ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل تشکل‌ها	۵
		وجود بستر مرادده	۶
		نقش تشکل‌ها به‌مثابه واسطه حاکمیت و اعضا	۷
		لزوم هم‌راستایی منافع بازیگران حکمرانی	۸
		اهمیت مشارکت در امور و تخصص‌گرایی	۹
نتایج منفی مرادده اندک و غیراثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی	عدم استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات	فقدان الگو و مشارکت ناقص	۱۰
		فاصله وضع موجود با وضع مطلوب	۱۱
		نارضایتی کلیه ذی‌نفعان	۱۲
	ناهنجاری اقتصادی و اجتماعی	تأثیر منفی بر زیست‌بوم اجتماعی کشور	۱۳
		عدم دستیابی به تعادل منافع	۱۴
		توزیع رانت	۱۵
تنقیح قوانین و مقررات با مشارکت و نقش‌آفرینی تشکل‌های صنفی	عدم کارایی قوانین و مقررات	تکثر قوانین و مقررات	۱۶
		به‌روز نبودن قوانین و مقررات	۱۷
		چندمرجع بودن وضع مقررات	۱۸
	عدم اثربخشی قوانین و مقررات	عدم وجود ضمانت اجرای قوانین و مقررات	۱۹
		ظرفیت تشکل‌ها در اجرای مقررات	۲۰
		حجم بالای پرونده‌های تخلفاتی و اختلافاتی	۲۱
لزوم بازنگری در ساختار تشکل‌ها	تشکل‌های ضعیف و متکثر	تعدد، انفعال و بدنه ضعیف برخی از تشکل‌ها	۲۲
		ارتباط ناقص و تعارض هیئت‌مدیره با اعضا	۲۳
		نفع‌گرایی هیئت‌مدیره و مدیران	۲۴
	اعضای منفعل و متوقع	عدم وجود شرح وظایف مشخص و یکسان	۲۵
		توقع بیش از حد و عدم اعتماد اعضا	۲۶
		انفعال اعضا و عدم آگاهی از ظرفیت‌ها	۲۷
لزوم بازنگری نقش تشکل‌های صنفی در حکمرانی	عدم وجود اعتقاد و اعتماد به بخش خصوصی	تضعیف مستمر نقش اتاق بازرگانی	۲۸
		وجود نظارت‌های موازی بر اصناف	۲۹
		عدم تفویض اختیار به تشکل‌های صنفی	۳۰
		تجربه‌های قبلی و وجود سوءظن	۳۱
	فقدان راهبرد مشخص حاکمیت در خصوص تشکل‌های صنفی	دولت حجیم و انفعال در چابک‌سازی دولت	۳۲
		یکپارچه نبودن مرجع صدور مجوز تشکل‌ها	۳۳
لزوم فرهنگ‌سازی و اصلاح نقش تشکل‌های صنفی در جامعه	سوءظن به تشکل‌ها در جامعه	موازی‌کاری زیرمجموعه‌های دولت	۳۴
		دیدگاه سلیقه‌ای و متضاد وزرا و مدیران	۳۵
		انتساب بخشی از تورم و نابسامانی‌های اقتصادی به اصناف	۳۶
تعارض منافع تشکل‌های صنفی با یکدیگر	۳۷		

ردیف	مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۳۸	منفعت‌طلبی و فردگرایی برخی تشکل‌ها		
۳۹	عدم انتشار دستاوردهای مثبت تشکل‌ها		
۴۰	عدم حمایت تشکل از اعتراضات سایر تشکل‌ها		
۴۱	عدم توجه به منفعت جامعه و مسئولیت اجتماعی		
۴۲	ناامیدی از اصلاح امور		
۴۳	قبح ثروت و تجارت در فرهنگ عامه		
۴۴	بیگانگی با شور و شورا و کار تیمی		
۴۵	فرهنگ درون‌گرایی حاکم بر جامعه		
۴۶	عدم توجه به اخلاقیات و دیگرخواهی		
۴۷	عدم موازنه در حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده		
۴۸	عدم اثربخشی نظام مالیات، یارانه و قیمت‌گذاری		
۴۹	توزیع رانت در برخی از اصناف		
۵۰	رانت‌خواهی تشکل‌ها و فقدان بینش نظام‌مند		
۵۱	عدم اعتقاد و احترام به مبانی علم اقتصاد		
۵۲	هویت و سبقه تاریخی تشکل‌های صنفی	سابقه برجسته تشکل‌های صنفی در تاریخ ایران	لزوم بررسی روند تاریخی تشکل‌های صنفی و تجربیات
۵۳	نقش تشکل‌های صنفی در انقلاب‌های معاصر		
۵۴	افول تشکل‌های صنفی در خلال انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی	محاق و فاصله تشکل‌ها از اوج تاریخی	

پس از کشف مقوله‌ها، کدگذاری نظری^۱ آغاز شد. هدف کدهای نظری، ارتباط دادن کدهای اصلی به یکدیگر است تا دغدغه اصلی پژوهش توصیف شود. در کدگذاری نظری، سطح بالاتری از انتزاع، فرضیه‌ها و نظریه مورد هدف قرار می‌گیرد و نتیجه نهایی کدگذاری نظری، کشف ارتباط بین مقوله‌ها است که این ارتباط را «قضیه^۲» می‌نامیم. قضیه‌ها سومین عنصر نظریه داده‌بنیاد هستند که بیانگر روابط تعمیم‌یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن و مقوله‌های دیگر است. در نظریه داده‌بنیاد کلاسیک از روش "متفکرانه" بر اساس دانش پژوهشگر برای استخراج کدهای نظری استفاده می‌شود و کدهای نظری به‌عنوان یک چارچوب نظری از پیش تعیین شده بر داده‌ها تحمیل نمی‌شوند. با توجه به مقوله‌های این پژوهش، خانواده کدهای نظری 6C گلیزر (Glaser & Holton, 2004: 112) هم‌خوانی مناسبی با مقوله‌ها داشت. این خانواده شامل: علل^۳، اقتضات^۴، نتایج^۵، عوامل هم‌بسته^۶، زمینه‌ها^۷ و شرایط میانجی^۸ است که حول یک عارضه اصلی^۹ قرار می‌گیرند و از بخشی از کدهای نظری مذکور به‌شرح ذیل استفاده شد:

¹ theoretical encoding

² proposition

³ Causes

⁴ Contingencies

⁶ Covariance

⁸ Consequences

⁸ Conditions

⁹ Phenomena

- ۱- عارضه اصلی: عارضه اصلی «مراوده اندک و غیراثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی» است. این عارضه محور این پژوهش بوده که مصاحبه‌ها و مفاهیم و مقوله‌های استخراجی بر وجود این عارضه تأکید می‌کنند. این عارضه دغدغه اصلی مشارکت‌کنندگان پژوهش و پژوهشگر است.
 - ۲- نتایج: پیامدهای عارضه اصلی شامل: عدم استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات و ناهنجاری اقتصادی و اجتماعی است.
 - ۳- علل: استراوس و کوربین از علل با عنوان شرایط علی یا سبب‌ساز یاد کرده و آن را شامل آن دسته از رویدادها و وقایعی می‌دانند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۵۳). علل اکتشافی در این پژوهش شامل: «عدم کارایی قوانین و مقررات»، «عدم اثربخشی قوانین و مقررات»، «تشکلهای ضعیف و متکثر» و «اعضای منفعل و متوقع» است که در دو دسته «علل حقوقی و مقرراتی» و «علل ساختاری» دسته‌بندی می‌شوند.
 - ۴- اقتضائات: به عوامل تعدیل‌گری اشاره دارند که روابط میان عارضه اصلی و مقوله‌ها را تعدیل می‌کنند. اقتضائات شامل: عوامل سیاسی (عدم وجود اعتقاد و اعتماد به بخش خصوصی - فقدان راهبرد مشخص حاکمیت در خصوص تشکلهای صنفی) و عوامل اقتصادی (عدم تعادل در منافع بخش‌های اقتصادی - عدم توجه اصناف به منافع بلندمدت جامعه) است.
 - ۵- زمینه: بستر محیطی اثرگذار بر عارضه اصلی است. عوامل زمینه‌ای شامل عوامل فرهنگی - اجتماعی (سوءظن به تشکلهای در جامعه - مشکلات فرهنگی در زمینه تشکلهای صنفی) و عوامل تاریخی (سابقه برجسته تشکلهای صنفی در تاریخ ایران - محاق و فاصله تشکلهای از اوج تاریخی) است.
- خلاصه موارد مذکور در جدول ۳ گردآوری شده است:

جدول ۳: دسته‌بندی کدهای نظری پژوهش

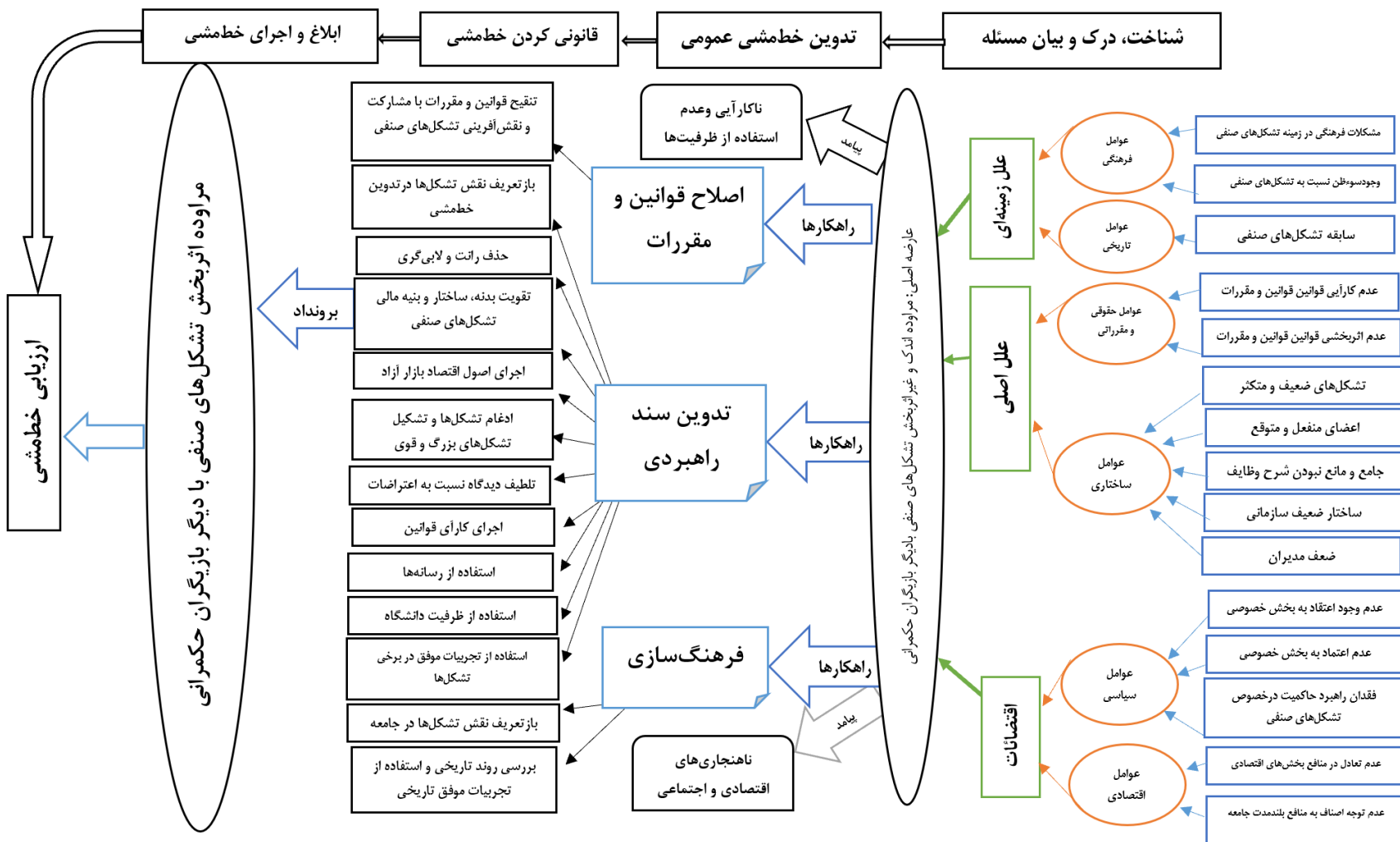
کد نظری	دسته‌بندی	مقوله
عارضه اصلی	مراوده اندک و غیراثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی	
علل	علل حقوقی و مقرراتی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم کارایی قوانین و مقررات • عدم اثربخشی قوانین و مقررات
	علل ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> • تشکلهای ضعیف و متکثر • اعضای منفعل و متوقع
پیامدها	ناکارایی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات
	ناهنجاری	<ul style="list-style-type: none"> • ناهنجاری اقتصادی و اجتماعی
اقتضائات	عوامل سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم وجود اعتقاد و اعتماد به بخش خصوصی • فقدان راهبرد مشخص حاکمیت در خصوص تشکلهای صنفی
	عوامل اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم تعادل در منافع بخش‌های اقتصادی • عدم توجه اصناف به منافع بلندمدت جامعه
زمینه	عوامل فرهنگی - اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> • مشکلات فرهنگی در زمینه تشکلهای صنفی • وجود سوءظن به تشکلهای در جامعه
	بستر تاریخی	<ul style="list-style-type: none"> • سابقه برجسته تشکلهای صنفی در تاریخ ایران

علاوه بر کدهای فوق، مفاهیم اکتشافی شامل راهکارها و راهبردهای رفع عارضه اصلی است که با عنوان راهبردها به مدل اضافه خواهد شد. این راهبردها در سه دسته عمده به شرح جدول ۴ خلاصه می‌شود:

جدول ۴: دسته‌بندی راهبردها

دسته‌بندی	راهبرد	هدف
اصلاح قوانین و مقررات	تنقیح قوانین و مقررات با مشارکت و نقش‌آفرینی تشکل‌های صنفی	شکل‌گیری مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی
تدوین سند راهبردی	لزوم بازنگری در ساختار تشکل‌ها	
	لزوم بازنگری نقش تشکل‌های صنفی در حکمرانی	
	لزوم بازنگری در سیاست‌های اقتصادی	
فرهنگ‌سازی	لزوم فرهنگ‌سازی و اصلاح نقش تشکل‌های صنفی در جامعه	
	لزوم بررسی روند تاریخی تشکل‌های صنفی و تجربیات	

با توجه به موارد مذکور، کلیت مدل خط‌مشی‌گذاری شکل‌گیری مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی به صورت شکل ۲ حاصل شد:



شکل ۲: مدل خطمشی گذاری شکل گیری مراوده اثربخش تشکلهای صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

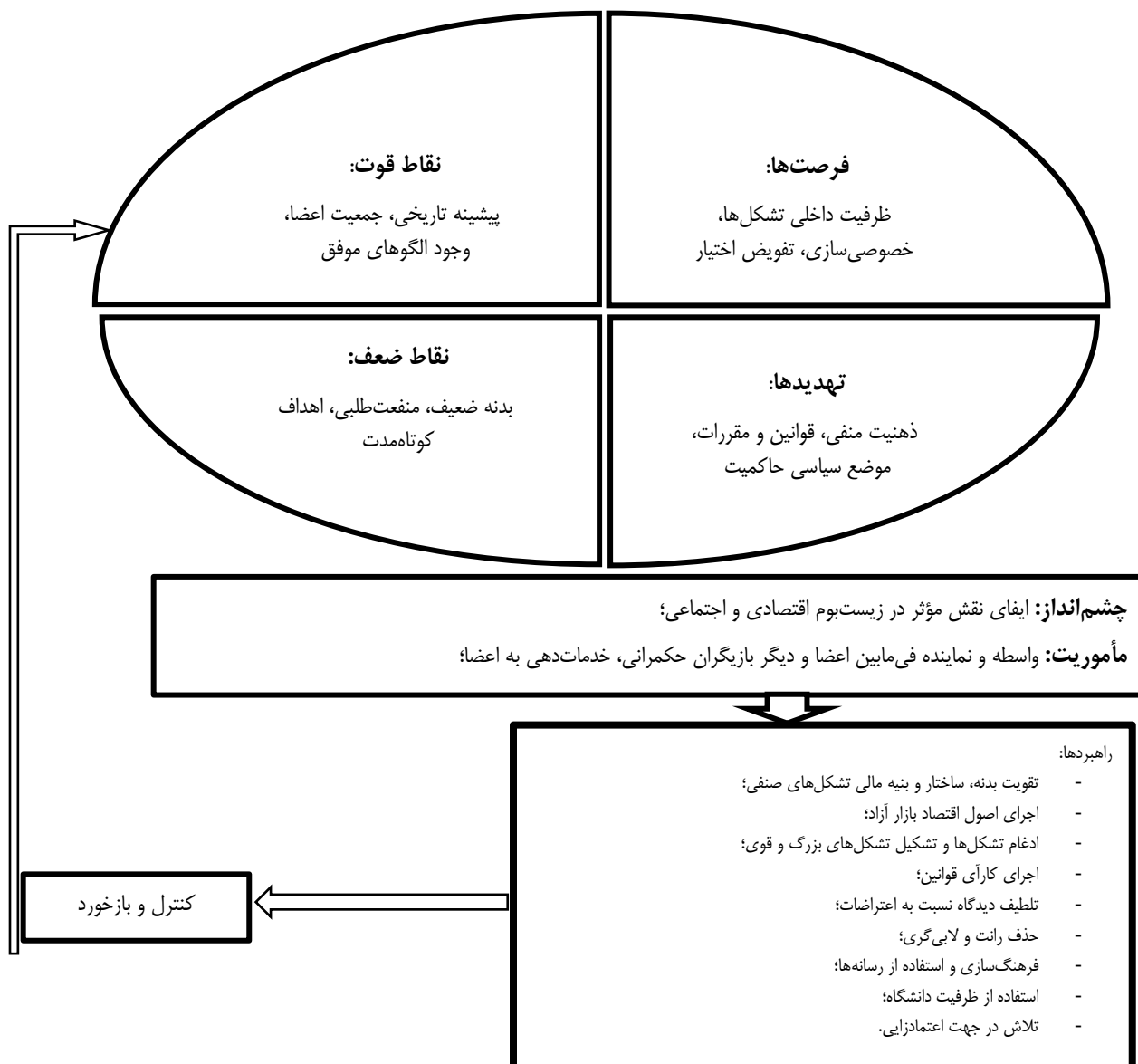
تشکل‌های صنفی به‌عنوان نهادهای مدنی، ذی‌نفع خطامشی‌های عمومی و تصمیمات بوده و می‌توانند مستقیماً در حکمرانی و خط-مشی‌گذاری ایفای نقش کنند و در این فرایند اثرگذاری و اثرپذیری داشته باشند. مبانی نظری مدیریت دولتی نوین از مشارکت تشکل‌های صنفی در تصمیم‌گیری و ارائه خدمات، پشتیبانی می‌کند و یکی از روش‌های مناسب و اثربخش برون‌سپاری خدمات دولت، واگذاری امور به تشکل‌های صنفی است که دارای تجربه و تخصص هستند. در صورت وجود اعتماد متقابل و مراوده اثربخش فی‌مابین تشکل‌های صنفی و سایر بازیگران حکمرانی، از ظرفیت‌ها و تخصص تشکل‌ها به‌نحو مطلوب استفاده خواهد شد و بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی مرتفع می‌شود. تشکل‌های صنفی از اصلی‌ترین منابع شناسایی مسائل و مشکلات هستند؛ چراکه از نزدیک با چالش‌های جدی جامعه سروکار دارند و با دیدگاه تخصصی و احاطه علمی و حرفه‌ای خود، قادر به اولویت‌بندی مشکلات و لزوم انتقال آن به حاکمیت هستند. با توجه به ویژگی‌ها و قابلیت‌های اصلی تشکل‌های صنفی، این نهادهای مدنی در تمام مراحل فرایند خطامشی‌گذاری قادر به ایفای نقش مؤثر هستند هرچند که ممکن است این ایفای نقش در مراحل پرنرنگ‌تر باشد. با توجه به رسالت و اهداف تشکل‌های صنفی، این تشکل‌ها باید علاوه بر شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی، آن‌ها را به سازمان و ارگان مربوطه منتقل کرده و رفع مشکل و لحاظ آن در خطامشی را پیگیری کنند. تهیه و تدوین خطامشی بر عهده متولیان امر بوده ولی فرایند تدوین نیازمند شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها از طریق مشورت، مباحثه و مناظره خطامشی‌گذاران با متخصصین است؛ لذا حضور نماینده تشکل‌های صنفی در مرحله شکل‌گیری خطامشی و ایجاد یک فضای دیالکتیکی، منجر به افزایش کارایی آن خواهد شد. قانونی شدن و مشروعیت خطامشی بدون مقبولیت آن نزد مجریان، فاقد اثربخشی است؛ لذا تشکل‌های صنفی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی اجرای خطامشی می‌باید به مشروعیت خطامشی باور داشته باشند. واگذاری بخشی از اجرای خطامشی به تشکل‌های صنفی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ایشان را به دنبال داشته و لذا در ارزیابی خطامشی اجراشده، از مراجع اصلی هستند. مشارکت تشکل‌های صنفی در فرایند خطامشی‌گذاری، منجر به کاهش مشکلات و تنگناهای خطامشی‌گذاری خواهد شد. حضور ایشان جزئی‌نگری و یک‌بعدی شدن خطامشی را از بین برده و نارسایی اطلاعاتی را تا حدودی رفع می‌کند. با توجه به اشراف تشکل‌های صنفی به ماهیت مسئله عمومی، ساده‌انگاری رفع می‌شود و اعمال نظر شخصی و اتکا به تجربیات فردی به حد‌آقل خود خواهد رسید. حضور تشکل‌های صنفی و اصرار ایشان بر اهمیت و اولویت مشکل، منجر به تصمیم‌گیری جدی جهت رفع آن شده و با توجه به ارتباط مستقیم این تشکل‌ها با مردم، انتقال خطامشی با آحاد جامعه تسهیل شده و مشارکت عامه جذب خواهد شد. تشکل‌هایی که خود در فرایند خطامشی‌گذاری نقش‌آفرین هستند از ماهیت خطامشی و لزوم اجرای آن باخبر بوده و انگیزه لازم را برای اجرا و تشریح مساعی خواهند داشت. ائتلاف خطامشی‌گذاران با تشکل‌های صنفی منجر به اقتناع سازمان‌های دولتی و سایر گروه‌های ذی‌نفع جهت اجرای خطامشی شده و بر رسمیت و اهمیت خطامشی خواهد افزود. حکومت‌ها عموماً نظر گروه ذی‌نفع رسمی را می‌پذیرند و تشکل‌های صنفی به دلیل پشتوانه مردمی و رسمیت خود از قدرت بیشتری نسبت به سایر ذی‌نفعان برخوردارند و وجود افراد ذی‌نفع در تشکل و یا ذی‌حق بودن تشکل، بر این قدرت خواهد افزود. تشکل‌های صنفی در حوزه تخصصی خود تحلیل بهتری از مسائل داشته و بهتر از سایر مراجع توان نظارت و کنترل دارند. البته باید توجه داشت که قدرت این تشکل‌ها و مشارکت آن‌ها نباید به تبعیت و تبعیت عمومی از منافع گروهی خاص منجر شود. استفاده مؤثر از ظرفیت‌های تشکل‌های صنفی، مستلزم شکل‌گیری مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی است و یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که در جهت ایجاد این مراوده اثربخش می‌باید علاوه بر فرهنگ‌سازی، استفاده از تجربیات موفق داخلی و خارجی و بازتعریف نقش تشکل‌ها در جامعه، اقداماتی را به‌شرح ذیل در دستور کار قرار داد:

الف: اصلاح قوانین و مقررات: قوانین جاری کشور، بستر مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با سایر بازیگران حکمرانی را فراهم نمی‌کند. در برخی از این قوانین تعارض وجود دارد و نقش اتاق ایران و اتاق اصناف در زیست‌بوم تشکل‌های صنفی، نیاز به بازنگری جدی دارد. واقعیت این است که مراوده اثربخش و مشارکت‌جویی با حرف و قول حاصل نمی‌شود بلکه مستلزم وجود اجابرها و بسترهای

قانونی است که متأسفانه قوانین جاری این امر را محقق نمی‌سازد. لذا در صورت وجود اراده حاکمیت مبنی بر ایجاد، ترویج و تحکیم مراوده اثربخش تشکل‌های صنفی با دیگر بازیگران حکمرانی، در وهله اول می‌باید بسترهای قانونی و مقرراتی اصلاح شود تا قانون، پشتوانه لزوم مراوده باشد.

ب: تدوین سند راهبردی

پیشنهادها و راهکارهای ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان و داده‌های دست دوم این پژوهش دارای تنوع زیادی است و می‌تواند شالوده یک سند راهبردی جهت ارتقای تشکل‌های صنفی باشد. در شکل ۳ کلیات این سند گردآوری شده است:



شکل ۳: کلیات سند راهبردی ارتقای تشکل‌های صنفی

در پایان ذکر این نکته ضروری است که با وجود پیگیری مستمر، هیچ فردی از قوه قضائیه حاضر به انجام مصاحبه نشد. با توجه به اهمیت و اثرگذاری این بازیگر حکمرانی بر تشکل‌های صنفی، ممکن بود مشارکت ایشان به کشف مقوله‌های بیشتری بیانجامد. همچنین لازم به ذکر است که رسالت تشکل‌های صنفی و تشکل‌های کارگری و کارمندی یکسان بوده و هدف اصلی هر دو تشکل، حمایت از حقوق اعضا است ولی تمرکز پژوهش حاضر بر روی تشکل‌های صنفی کارفرمایی است و پرداختن به تشکل‌های کارگری و کارمندی با توجه به گستردگی و اهمیت آن، می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

حمایت مالی

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی برای انجام پژوهش، نگارش یا انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس مقاله که با پیشنهادهای خود به بهبود کیفیت آن کمک کردند، قدردانی می‌کنند. همچنین از حمایت معنوی دانشگاه تهران در ایجاد زمینه و تسهیل انجام این پژوهش سپاسگزاری می‌کنند. شایان ذکر است مسئولیت محتوای این مقاله به‌طور کامل بر عهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در ارتباط با این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

مآخذ

- استراوس، انسلم؛ و کریبن، جولیت (۱۹۹۰). *اصول روش پژوهش کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. ۱۳۹۰. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸). حکمرانی خوب، شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی. *مجله مدیریت توسعه و تحول*، ۱(۱)، ۵-۱.
- الوانی، سید مهدی؛ و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۴). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۵). *مبانی مدیریت دولتی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- پورعزت، علی اصغر؛ و هاشمی کاسوایی، مینا سادات. (۱۳۹۶). *مسئله عمومی: چالش آغازین خط‌مشی‌گذاری دولتی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجیان‌پور، حمید؛ و تاجداری، زینب. (۱۳۹۲). جایگاه اصناف در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی. *فصلنامه پارسه*، ۲۰ (پاییز)، ۳۵-۶۱.
- دانایی‌فرد، حسن؛ و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه داده‌بنیاد. *اندیشه مدیریت*، ۱(۲)، ۶۹-۹۷.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ و جاهدین محمدی، ساسان (۱۳۹۵). سازوکارهای حقوقی تعامل اصناف با دولت و ضعف نهادمندی اتحادیه‌های صنفی در ایران. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۱۸(۱)، ۵۷-۸۳.
- قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۹۵). *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش پژوهش کیفی: ضد روش ۲، مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

هاولت، مایکل؛ رامش، ام.؛ و پرل، آنتونی (۲۰۰۳). مطالعه خطمشی عمومی. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن. ۱۳۹۵. تهران: کتاب مهریان.

- Alvani, S. M. (2009). Good governance, a network of civil society actors. *Journal of Development and Transformation Management*, 1(1), 1–5. (in Persian)
- Alvani, S. M., & Sharifzadeh, F. (2015). *Public Policy Making Process*. Tehran: Allameh Tabataba'i University Press. (in Persian)
- Coston, J. M. (1998). A Model and Typology of Government-NGO Relationships. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 27(3), 358–382.
- Danaeefard, H., & Emami, S. M. (2007). *Qualitative Research Strategies: Reflections on Grounded Theory. Management Thought*, 1(2), 69–97. (in Persian)
- Gholipour, R. (2016). *Organizational Decision-Making and Public Policy-Making*. Tehran: SAMT (Organization for Researching and Compiling University Textbooks in the Humanities). (in Persian)
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago, IL: Aldine.
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical Sensitivity: Advances in the Methodology of Grounded Theory*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Glaser, B. G. (1998). *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Glaser, B. G., & Holton, J. (2004). Remodeling Grounded Theory. *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, 5(2), Article 4. <https://doi.org/10.17169/fqs-5.2.607>
- Glaser, B. G. (2005). *The Grounded Theory Perspective III: Theoretical Coding*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
- Hajianpour, H., & Tajdari, Z. (2013). The Position of Guilds in Iran's Political, Economic, And Social System from the Safavid Era to the Islamic Revolution. *Parseh Quarterly*, 20(Autumn), 35–61. (In Persian)
- Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (2003). *Studying Public Policy* (A. Monavarian & E. Golshan, Trans.). (2016). Tehran: Mehraban Book. (In Persian)
- Kailah, S. (2019). Distinguishing Between the Types of Grounded Theory: Classical, Interpretive, And Constructivist. *Journal For Social Thought*, 3(1), 1–17. <https://ojs.lib.uwo.ca/index.php/jst/article/view/5684>
- Korkut, U. (2007). Participatory Policy-Making, Participatory Civil Society: A Key for Dissolving Elite Rule in New Democracies in the Era of Globalization. *World Futures: The Journal of New Paradigm Research*, 63(5–6), 340–352.
- Mohammadpour, A. (2013). *Qualitative Research Method: Anti-Method 2, Stages and Practical Procedures in Qualitative Methodology*. Tehran: Jameeshenasan Publishers. (In Persian)
- Pourazat, A. A. (2016). *Fundamentals Of Public Administration*. Tehran: Samt (Organization for Researching and Compiling University Textbooks in the Humanities). (In Persian)
- Pourazat, A. A., & Hashemi Kasvaei, M. S. (2017). *Public Issue: The Initial Challenge of Public Policy-Making*. Tehran: University Of Tehran Press. (In Persian)
- Sardarnia, Kh., & Jahedin mohammadi, S. (2016). Legal Mechanisms of Interaction Between Guilds and the Government and the Institutional Weakness of Trade Unions in Iran. *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, 8(1), 57–83. (In Persian)
- Strauss, A., & Corbin, J. (1990). *Basics Of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques* (B. Mohammadi, Trans.). (2014). Tehran: *Institute For Humanities and Cultural Studies*. (In Persian)